



بیانات در دیدار هزاران نفر از رای اولی‌ها و جمعی از خانواده‌های شهدا - 9 / اسفند / 1402

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله فى الارضين.
خیلی خوش آمدید جوانان عزیز، برادران عزیز، خواهران عزیز و بخصوص خانواده‌های معظم شهیدان که در جلسه حضور دارند؛ به هم‌همی شما خوشامد عرض میکنم. جلسه، در واقع، جلسه‌ی جوان است، محلّ حضور دل‌های پاک و زلال جوانها است.

حرف اول من، عرض اول من، این است که شما جوانها از فرصت صفای روح جوانی‌تان استفاده کنید و در این ایام مبارک ماه شعبان و پس از آن، ماه رمضان، خودتان را به خدای متعال نزدیک‌تر کنید، با خدا انس بگیرید، از خدا بخواهید، به خدا توکل کنید. از ماه شعبان روزهای کوتاهی باقی مانده است، اکثر ماه شعبان گذشت. ماه دعا، ماه مناجات، ماه استغفار؛ شعبان یک چنین ماهی است. در همین چند روزی که باقی مانده است، توصیه‌ی جدی من به شما جوانان عزیز - چه پسرها و چه دخترها - این است که از دعا و استغفار و صلوات غفلت نکنید. «دعا» انس شما را با خالق هستی افزایش میدهد، ارتباط شما را با خداوند متعال تقویت میکند؛ دعا و مناجات این جور است. وقتی ما «استغفار» میکنیم، در واقع، استغفار به معنای این است که راه برگشت از خطا را انتخاب میکنیم. ما همه اشتباهاتی داریم، خطاهایی داریم، گناهایی داریم؛ استغفار به معنای انتخاب راه برگشت از این خطاها و این گناها است، که در ماه شعبان بر استغفار تکیه شده. شما میگویید «استغفر الله و اتوب الیه»؛ «اتوب الیه» یعنی برمیگردم به سمت خدا؛ با خطا و با گناه از خدا دور شدم، حالا برمیگردم به سمت خدای متعال و خدا این برگشت را قبول میکند. در درود فرستادن و صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد، در واقع، یاد و خاطره‌ی بهترین الگوهای انسانی را در ذهن خودمان زنده میکنیم. این بزرگواران، بهترین آحاد بشر، و برترین افراد مخلوق پروردگار بودند. زندگی آنها، درس آنها، گفتار آنها، کردار آنها برای ما الگو است؛ اسوه هستند. وقتی ما صلوات میفرستیم، در واقع یاد آنها را در دل‌مان زنده میکنیم. پس اینها مغتنم است.

این دعاهایی که وارد شده است که [به آنها] دعاي مأثور میگوییم - [دعاي] مأثور یعنی دعاهایی که از ائمه (علیهم السلام) وارد شده، به ما رسیده، مثل صحیفه‌ی سجّادیه و اغلب دعاهایی که در مفاتیح هست - صرف خواستن هم نیست، صرف طلب کردن و ارتباط با خدا [هم] نیست؛ از این هم بیشتر است؛ این دعاها متضمن معارف است. مضمونهای بلند، معارف عالی اسلامی در این دعاها هست. یک معارفی در این دعاها وجود دارد که در هیچ جای دیگر شما آنها را پیدا نمیکنید؛ در دعای امام حسین در روز عرفه، در دعاهای صحیفه‌ی سجّادیه، در مناجات شعبانیه، مضامینی هست، معارفی وجود دارد که انسان در هیچ جای دیگر اینها را پیدا نمیکند. انس با دعاها معرفت مسلمان را و مؤمن را بالا میبرد؛ خیلی مغتنم است. بنابراین عرض اول ما این شد که این فرصت نورانی بودن دلتان را - که دل‌های شما نورانی است، باصفا است - مغتنم بشمارید. فرصت ماه شعبان و ماه رمضان که حالا خواهد آمد و همه‌ی فرصتهای دیگر را برای دعا کردن، برای استغفار کردن، برای توسل به پروردگار و به اولیائش مغتنم بشمارید. این عرض اول ما به شما.



مطلب بعدی، که بنده مقیدم این را برای شما حضار و برای همه‌ی ملت ایران عرض بکنم، مسئله‌ی انتخابات است که البته درباره‌ی انتخابات، هم ما صحبت کرده‌ایم، هم دیگران صحبت کرده‌اند، هم بحمدالله میبینم جوانها در مراکز مختلف، در دانشگاه‌ها، در خیابانها صحبت میکنند، بحث میکنند، لکن چند کلمه هم در این زمینه من امروز عرض میکنم.

خب بحمدالله نشانه‌ی شور و نشاط انتخاباتی در سراسر کشور، در جاهای مختلف دیده میشود. حالت میل به انتخابات و شور انتخاباتی محسوس است؛ باید خدا را شکر کنیم. مطلوب این است که انتخابات – نه فقط این انتخابات دو روز بعد، (۱) [بلکه] همه‌ی انتخابات‌های کشور – قوی و پرشور برگزار بشود؛ چرا؟ خب شما جوانها، اهل استدلالید؛ من واقعاً خرسندم از اینکه میبینم بعد از انقلاب جوانهای ما از لحاظ میل به استدلال و میل به تحقیق و دقت، چندین برابر پیشرفت کرده‌اند. من پیش از انقلاب هم با جوانها مانوس بودم؛ تمام جلسات ما جلسات جوانها بود؛ جوانها را کاملاً می‌شناختم. بعد از انقلاب، روحیه‌ی سؤال، تفحص، تجسس، تحقیق، راستی‌آزمایی، در بین جوانها چند برابر افزایش پیدا کرده و این خیلی خوب است؛ یعنی جوان در عین اینکه در میدانهای مختلف اهل هیجان و نشاط و شور و جوانی است، در عین حال، اهل استدلال هم هست، اهل منطق هم هست. همین شهدای ما که غالباً مثل شماها جوان بودند – یعنی اغلب شهدای ما در دوران دفاع مقدس و همچنین در دوران دفاع از حرم، در سنین دور و بر بیست و بیست و چند و حداکثر سی و این جوری بودند – با هیجان، با احساسات، با دل پرشور به سمت میدانهای جنگ رفتند، اما ذهنشان کار میکرد، فکرشان کار میکرد، منطق داشتند، استدلال داشتند؛ شرح حالشان را اگر شما بخوانید، این را احساس میکنید؛ با استدلال حرکت میکردند. امروز جوانهای ما این جوری هستند. من در این زمینه چند مطلب را عرض میکنم.

اولاً در یک کلمه اگر بخواهیم راجع به اهمیت انتخابات پرشور و قوی عرض کنیم، باید بگوییم انتخابات قوی و پرشور یکی از ارکان اداره‌ی درست کشور است – که من بعداً در خلال صحبت، مختصراً توضیحی [در این باره] خواهم داد – یکی از ارکان اصلی پیشرفت کشور است، یکی از مهم‌ترین وسیله‌های رفع موانع پیشرفت است؛ انتخابات قوی این خصوصیات را دارد.

چون شماها ندیده‌اید آن دوران را، اولاً این نکته را من به شما جوانها عرض بکنم که این صندوق رأی، این انتخابات، آسان به میان کشور ما و ملت ما نیامده؛ از این حرفها نبود، از این خبرها نبود. یک مدتی که استبداد مطلق بود، بعد هم که ظاهر انتخابات وجود داشت، انتخابات فقط ظاهری بود، هیچ باطنی نداشت؛ یعنی لیست‌ها را در دربار و بعضاً حتی در سفارتخانه‌های خارجی تنظیم میکردند، آن لیست‌ها را میدادند میگفتند اینها باید نماینده بشوند! اینها حرفهایی است که خود آنها میزنند، نه اینکه ما بگوییم. ما البته آن وقت میدانستیم؛ ما در دوران پیش از انقلاب خبر داشتیم که مسئله‌ی رأی‌گیری و انتخاب و مانند اینها یعنی چه، اما بعد از انقلاب خود آنها اعتراف کردند، در کتابهایشان نوشتند. اینکه مردم با انگیزه، با شناخت، با ایمان، با توقع، با امید بروند پای صندوق و رأی ببندازند، آسان به دست نیامده، برای این کار در این کشور خیلی مجاهدت شده. البته شروع مجاهدات از بعد از مشروطه به این طرف است، لکن حرکت عمده‌ی مجاهدات و مبارزات، در نهضت امام بزرگوار و نهضت اسلامی است که مردم پشت سر امام قرار گرفتند و این راه را طی کردند. از سال ۱۳۴۱ که مبارزه شروع شد تا بیست و دوّم بهمن سال ۱۳۵۷ که انقلاب به پیروزی رسید و این مبارزات پیروز شد، در این ۱۶ سال در این کشور خیلی تلاش انجام گرفت، خیلی کار شد؛ زندانها رفتند، شکنجه‌ها شدند، مجاهدات تبیینی انجام گرفت، مجاهدات بیانی انجام گرفت تا زمینه‌ها



آماده شد، از سال ۵۶ حرکت عمومی مردم آغاز شد، امام بزرگوار قدم به قدم این نهضت را و این حرکت را رهبری کرد، هدایت کرد، درس داد، یاد داد که کجا باید حرکت کنید، چه کار باید بکنید، چه بخواهید؛ «رهبر» به معنای واقعی کلمه.

کار رهبر انقلاب، امام بزرگوار و هر کسی که این ادعا را داشته باشد، کار دلی است، کار فکری و مغزی است؛ روی دل مردم، روی فکر مردم اثر میگذارد و امام اثر گذاشت، مردم [به صحنه] آمدند تا انقلاب پیروز شد. حالا شما اگر تاریخ انقلابها را خوانده باشید یا بخوانید - که البته جوانها متأسفانه کم کتاب میخوانند؛ شماها بیشتر از این باید کتاب بخوانید - تاریخ این انقلابهای منطقه‌ای و جهانی و مانند اینها را که ملاحظه کنید، می‌بینید وقتی انقلاب میشود، تا مدتها دیکتاتوری انقلابی حاکم است؛ یعنی از مردم و آراء و مانند اینها [خبری نیست]. مثلاً فرض کنید در فرانسه در آخر قرن هجدهم، انقلاب کبیر فرانسه اتفاق می‌افتد؛ خب مردم انقلاب کردند، مردم آمدند در خیابانها و مبارزه کردند اما بعد از انقلاب یک گروه معدودی اختیار امور را به دست میگیرند، سه چهار سال آنها هستند، بعد یک گروه دیگر می‌آیند آنها را قلع و قمع میکنند، سر جایشان می‌نشینند، چهار پنج سال آنها هستند، بعد یک گروه دیگر می‌آیند اینها را قلع و قمع میکنند، حدود ده دوازده سال این وضع ادامه پیدا میکند، بعد هم یک ناپلئونی پیدا میشود، می‌آید همه‌ی اینها را به هم میزند، حکومت دیکتاتوری مستقل ناپلئونی را سر پا میکند؛ [اصلاً] بحث انتخابات نیست. بدتر از آن، انقلاب شوروی [است]. حالا این دو انقلاب مهم تاریخ نزدیک به ما است.

[اما در ایران] بیست و دوّم بهمن انقلاب شد، دوازدهم فروردین، یعنی حدود پنجاه روز بعد از آن، امام اعلام رأی‌گیری عمومی، همه‌پرسی عمومی کرد برای اینکه نوع نظام را مردم معین کنند؛ و معین کردند؛ یعنی [بلافاصله] مردم را آورد پای صندوق - اعتماد به مردم یعنی این؛ اهمّیت صندوق انتخابات یعنی این - فاصله نشد. حدود یک سال از این قضیه گذشته بود که انتخابات مجلس خبرگان برای قانون اساسی تشکیل شد؛ انتخابات شد. بعد خود قانونی را که در مجلس از آب درآمده بود به رأی گذاشتند که آن انتخابات بعدی شد؛ بعد انتخابات ریاست‌جمهوری شد؛ بعد انتخابات مجلس شد؛ چند انتخاب در طول یک سال. اینها از برکات انقلاب است؛ این حرفها نبود. مردم رفتند پای صندوقهای رأی، رأی دادند؛ یک عده موافق، یک عده مخالف. در بعضی از انتخاباتها خیلی پُرشور و پُرجمعیت، در بعضی یک خُرده کمتر اما مردم رفتند پای صندوق. بدانید عزیزان من! این انتخابات، وجود صندوق رأی، انتخاب شما، رأی دادن شما، دخالت شما، یک امتیازی است که آسان به دست نیامده؛ این با زحمت به دست آمده، با مبارزه به دست آمده، با فداکاری‌های بزرگ به دست آمده، با حرکت عمومی ملت به دست آمده.

خب، حالا ما چرا تأکید میکنیم به شرکت مردم؟ خب بعضی‌ها بودند، شاید حالا هم باشند، میگویند آقا! یک انتخاباتی برگزار بشود، یک جمعی از مردم شرکت کنند، بعد هم یک حکومتی سر کار بیاید، یا یک دولتی یا یک مجلسی، کارهای خودش را انجام بدهد؛ ما معتقدیم نه، باید انتخابات، انتخابات پُرشور باشد، باید پُرجمعیت باشد؛ چرا؟ برای اینکه حضور مردم در صحنه، پای صندوق رأی نشانه‌ی حضور ملت در صحنه‌های مهم اداره‌ی کشور است؛ این برای کشور ثروت بزرگی است.

ما اگر بتوانیم به دنیا - حالا میگوییم «دنیا» یعنی چه - نشان بدهیم که ملت در صحنه‌های مهم و تعیین‌کننده‌ی کشور حضور دارند، کشور را نجات داده‌ایم، کشور را پیش برده‌ایم. اینکه گفتیم «بتوانیم به دنیا نشان بدهیم»، به چه کسی نشان بدهیم؟ خب خیلی از مردم دنیا و ملت‌های دنیا سر و کاری با ما ندارند، برای آنها اهمّیتی ندارد؛ اما



دولتهایی هستند، سیاستهایی در دنیا هستند که چهارچشمی مراقب مسائل ایرانند - مسائل ایران اسلامی و جمهوری اسلامی و این کشور عزیز - تا ببینند چه خبر است. آمریکا، سیاستهای غالب بر اروپا، سیاستهای صهیونیست‌ها، سیاستهای سرمایه‌داران و کمپانی‌داران بزرگ دنیا، به دلایل گوناگون - که حالا جای شرحش اینجا نیست؛ خیلی‌اش را میدانید، خیلی‌اش را گفته‌ایم - متوجه مسائل داخل ایرانند، میخواهند ببینند اینجا چه خبر است. این ناظران سیاسی دنیا که عرض کردم، از همه بیشتر از حضور مردم میترسند، از قدرت مردمی بیمناکند و ملاحظه میکنند؛ چرا؟ چون قدرت مردمی را دیده‌اند. دیده‌اند که اگر این ملت در صحنه حضور پیدا بکند، حتماً بر مشکل غلبه پیدا میکند؛ کما اینکه در انقلاب اسلامی، ملت حضور پیدا کرد و توانست رژیم را که آمریکا و انگلیس و اروپا و همه پشت سرش بودند، به خاک سیاه بنشانند و از بین ببرد؛ این ملت این جور است. دیده‌اند که این ملت وقتی در صحنه حضور پیدا میکند، در صحنه‌ی دفاع مقدس و جنگ تحمیلی، بر صدامی که آمریکا و شوروی آن روز و ناتو و مرتجعین عرب و همه از او حمایت میکردند غلبه پیدا میکند و او را از خاک [خود] بیرون میکند و او را خاک‌نشین میکند، دلیل میکند؛ این را دیده‌اند. معجزه‌ی حضور ملت ایران در صحنه را دشمنان ملت ایران دیده‌اند، لذا از حضور مردم ملاحظه میکنند و حالا میخواهند ببینند آیا مردم حضور دارند یا نه؛ وقتی شما در پای صندوق حاضر میشوید، میفهمند که بله، ملت ایران همچنان حضور خود در صحنه را حفظ کرده.

پس بنابراین، حضور مردم در صحنه‌های انتخابات به معنای قدرت ملی است و این چیزی است که دشمن از آن ملاحظه میکند؛ این پشتوانه‌ی امنیت ملی ما است. قدرت ملی پشتوانه‌ی امنیت ملی است؛ اگر دشمن احساس کند شما توانایی ندارید، ملت ایران قدرتی ندارد، امنیت شما را همه نوع تهدید خواهد کرد؛ از هر نوعی؛ این قدرت ملی پشتوانه و تضمین‌کننده‌ی امنیت ملی است. امنیت ملی همه چیز است؛ اگر امنیت نباشد، هیچ چیزی نیست. دشمن با قدرت ملی ما مخالف است؛ لذا شما ملاحظه کنید امسال که سال ۱۴۰۲ بود، چون در اسفند امسال انتخابات بود، از فروردین امسال تبلیغات مخالف‌خوانانه‌ی دشمنان در رادیوهایشان، تلویزیون‌هایشان و ایستگاه‌های فضای مجازی‌شان علیه انتخابات شروع شد، تا مردم را مأیوس کنند، بگویند آقا چه فایده دارد، چه اثری دارد، انتخابات اثر ندارد، و مانند اینها. نمیخواهند؛ قدرت ملی ملت ایران را برنمیتابند. پس با هر چیزی که نشانه‌ی قدرت ملی است، مخالفت میکنند، از جمله با انتخابات.

خب حالا در داخل هم بعضی نسبت به انتخابات بی‌تفاوتی میکنند. البته من احدی را متهم نمیکنم اما به همه یادآور میشوم که ما باید به انتخابات از زاویه‌ی منافع ملی نگاه کنیم، نه از زاویه‌های جناحی و گروهی؛ منافع ملی را ملاحظه کنید. اگر انتخابات ضعیف باشد، همه ضرر میکنند، نه اینکه یک عده‌ای ضرر کنند، یک عده‌ای از ضعیف بودن انتخابات سود ببرند؛ هیچ کس سود نمیببرد. هر کسی ایران را دوست دارد، هر کسی کشور خودش و ملت خودش و امنیت خودش را دوست دارد بداند که اگر انتخابات ضعیف برگزار بشود، هیچ کس سود نمیببرد، همه ضرر میکنند، همه ضربه میخورند؛ نه اینکه یک عده ضربه بخورند، یک عده سود کنند؛ نه. خب حالا این در مسئله‌ی نمایش قدرت ملی که عرض کردیم انتخابات مظهر نشان دادن و به رخ کشیدن قدرت ملی کشور است.

علاوه‌ی بر این، انتخابات دستاوردهای دیگری هم دارد. یکی از دستاوردها این است که اگر انتخابات قوی بود، منتخب هم قوی خواهد بود. اگر ما مثلاً در انتخابات مجلس - که حالا انتخابات پیش‌رو انتخابات مجلس است - حضور قوی داشته باشیم، مجلس قوی خواهیم داشت. مجلس قوی میتواند کارهای بزرگ انجام بدهد، میتواند قدمهای بلند بردارد؛ پشتوانه‌ی قوی دارد دیگر. در انتخابات ریاست جمهوری، اگر انتخابات پرشور و قوی و پُرجمعیت باشد، دست



رئیس‌جمهور، دست دولت باز است برای کارهای بزرگ، برای اقدامهای بزرگ. این است. بنابراین انتخابات قوی نتیجه‌اش پیشرفت کشور است، نتیجه‌اش سود بردن کشور است، برداشتن مشکلات کشور است؛ نتیجه‌اش این است. لذا گفتیم انتخابات قوی یکی از ارکان پیشرفت است.

یک دستاورد دیگر، رشد سیاسی شرکت‌کنندگان در انتخابات، بخصوص جوانها است. این خیلی برای ما فرصت مغتنمی است که جوانهایمان در دوران انتخابات، در بحثها، در مقایسه‌ها، در استدلالها، در حرفهایی که موافقین یک نامزد انتخاباتی میزنند، مخالفینش میزنند، در این ردوبدلها رشد سیاسی پیدا میکند. این رشد سیاسی، این قدرت تحلیلی که جوان ما پیدا میکند، چیز کمی نیست، خیلی باارزش است؛ بخصوص برای کشور ما. جوان ما وقتی قدرت تحلیلش بالا رفت، دیگر وسوسه‌های دشمن خنثی میشود، بی‌اثر میشود. وقتی قدرت تحلیل پیدا کند، دشمن را می‌شناسد، شیوه‌های دشمن را می‌شناسد، کارهای دشمن را می‌شناسد، راه‌های مقابله‌ای با دشمن را می‌شناسد. این قدرت تحلیل به نظر من یکی از این دستاوردهای بسیار مهم است. بنابراین، همه‌ی آحاد ملت، همه‌ی کسانی که مخاطب این حرفها هستند در باب انتخابات، بدانند انداختن رأی در صندوق، یک کاری است آسان، با نتایج بزرگ. شرکت در انتخابات که کار سختی نیست؛ یک کار آسانی است، هیچ مایه‌ای هم ندارد، اما نتایجش نتایج بزرگی است که مقداری از آنها را من عرض کردم.

حالا شما جوان هستید و خیلی‌هایتان رأی‌اولی هستید؛ من به نسل جوان خودمان، نسل جوان کشورمان، خیلی اعتقاد دارم. جوانها در همه‌ی میدانها پیشرانند، پیشروند، شوق‌انگیزند، در این میدان هم همین‌جور؛ در این میدان هم جوانها میتوانند پیشرو باشند، پیشران باشند، شوق‌آفرین باشند؛ هم خود جوانها همه شرکت کنند، هم دیگران را تشویق به شرکت کنند. یکی از کارهای شما جوانها همین است؛ پدرها، مادرها، هم‌درس‌ها، خویشاوندان، هم‌محلّه‌ها و همه‌ی مرتبطين را با استدلال میتوانید تشویق کنید؛ کاری است که ممکن است. البته یک کسانی هم ممکن است واقعاً نتوانند شرکت کنند؛ یعنی اینکه ما همه را تشویق میکنیم به شرکت در انتخابات، بعضی‌ها هستند که واقعاً به هر دلیلی قادر به شرکت در انتخابات نیستند؛ با آنها ما هیچ مطلبی نداریم، حرفی نداریم؛ ولی آن کسانی که اظهار بی‌میلی به انتخابات میکنند – که متأسفانه [این‌جور افرادی] هستند؛ هم خودشان اظهار بی‌میلی میکنند، هم دیگران را تشویق میکنند به عدم حضور – اینها به نظر من یک قدری بیشتر فکر کنند روی این قضایا؛ رأی ندادن هیچ فایده‌ای ندارد. شما میگویید رأی دادن ممکن است بی‌فایده باشد؛ خوب ممکن هم هست بافایده باشد؛ یعنی در رأی دادن احتمال فایده وجود دارد، در رأی ندادن احتمال هیچ فایده‌ای وجود ندارد. رأی ندادن هیچ دستاوردی ندارد، اما رأی دادن [احتمال دستاورد دارد]؛ حالا بنده که میگویم حتماً دستاورد دارد، [اما] آن کسی که تردید دارد بگوید احتمالاً دستاورد دارد. پس بنابراین، هیچ استدلالی پشت رأی ندادن نیست که ما بگوییم نباید رأی بدهند. خلاصه، مشکلی را حل نمیکند؛ رأی ندادن بعضی‌ها مشکلی از کشور را حل نمیکند، بلکه ضرر هم میکنند؛ چون بالاخره اگر شما رأی ندهی، یک نفر دیگر رأی میدهد، آن کسی که شما میخواهی انتخاب نشود ممکن است انتخاب بشود؛ شما اگر رأی دادی، ممکن است جلوی او را بگیری، با یک رأی یا با یک مجموعه‌ی رأی. بالاخره، عرض من این است: هر کس ایران را دوست دارد، هر کس جمهوری اسلامی را دوست دارد، هر کس انقلاب را دوست دارد، هر کس قدرت ملّی را دوست دارد، هر کس پیشرفت را دوست دارد، باید در انتخابات فعال باشد، بایستی در انتخابات شرکت پُرشور انجام بدهد.

انتخابات یک فرصت است، از این فرصت باید استفاده کرد؛ هم به نفع کشور است، هم دشمنان کشور را مایوس



میکند؛ امثال سیاستمداران آمریکا و سی‌آی‌ای و صهیونیست‌های خبیثِ ظالم و دیگران را که نشسته‌اند چهارچشمی مسائل ما را دانه‌دانه رصد میکنند، مایوس میکند؛ حضور در انتخابات، دشمنان را مایوس میکند. این مطلب اصلی ما.

یک سؤالی در مورد «اصلاح» میشود. چون آن کسانی که به عنوان نامزد وارد میدان انتخابات میشوند، خب همه صالحند دیگر؛ یعنی شورای نگهبان و بقیه‌ی دستگاه‌های نظارتی روی اینها مطالعه کرده‌اند تشخیص داده‌اند که اینها صالحند؛ بنابراین صالحند؛ اما اصلاح را شما میخواهید انتخاب کنید. اصلاح کیست؟ کیست که صلاحیت بیشتری دارد؟ بنده اینجا دو سه ملاک را ذکر کرده‌ام:

هر کسی که در تقیّد به دین، تقیّد به عمل دینی و تشرّع دینی بهتر و جلوتر باشد؛ هر کسی نسبت به استقلال کشور و آویزان نشدن کشور به این و آن قدرت دنیا اصرار بیشتری داشته باشد و واقعاً استقلال کشور را بخواهد؛ هر کسی به مبارزه‌ی با فساد به طور جدّی عقیده داشته باشد که با فساد باید مبارزه کرد؛ هر کسی نسبت به منافع ملیّی جدّی‌تر است؛ یعنی حاضر است منافع شخصی خودش را در مقابل منافع ملیّی قربانی کند؛ منافع ملیّی را ترجیح بدهد بر [منافع شخصی]؛ هر کسی این خصوصیات را داشته باشد، او اصلاح است؛ مسئله‌ی دین، مسئله‌ی استقلال، مسئله‌ی مبارزه‌ی با فساد، مسئله‌ی منافع ملیّی. تعصّبات جناحی را بگذارند کنار؛ در قضایای مختلف ببینند چه چیزی مناسب با منافع ملیّی است و مایه‌ی عزّت کشور و آسایش کشور و پیشرفت کشور است، آن را ترجیح بدهند در مقام تعارض منافع بین منافع شخصی و منافع جناحی و منافع ملیّی؛ به نظر من اصلاح این است که این را هم بایستی با مطالعه، با دقّت در حرفها، با شنیدن از افرادی که مطلعند، آگاهند، شماها به دست بیاورید و کار سختی نیست، کار نشدنی‌ای نیست؛ حالا تا آن مقداری که انسان توانایی دارد. حالا مثلاً بنده که بخوادم رأی بدهم، خب مثلاً فهرست تهران را می‌آورند، فهرستهای مختلفی هست، همه را که آدم نمی‌شناسد؛ بعضی‌ها را انسان می‌شناسد، بعضی‌ها را از این و آن می‌پرسد، بعضی‌ها را به افرادی که معرفی کردند اطمینان میکند، مثلاً فرض کنید که یک مجموعه‌ای را به عنوان نامزدهای مورد انتخاب انسان مینویسد اسمشان را، در صندوق می‌اندازد. هر مقداری که ممکن است در این زمینه بایستی دقّت کرد.

مسئله‌ی غرّه امروز مسئله‌ی اساسی دنیای اسلام است، همان‌طور که مکرّر عرض کرده‌ایم. من چند روز قبل از این در یک صحبتی گفتم (۲) مسئله‌ی غرّه، حادثه‌ی غرّه، هم اسلام را به دنیا معرفی کرد، معلوم شد که «ایمان اسلامی» آن عاملی است که این جور اقتدار و مقاومت می‌آفریند که مردم زیر بمباران ایستادگی کردند، تسلیم نشدند، دستهایشان را در مقابل دشمن بالا نبردند، با این همه فجایعی که اینها به وجود آوردند - اسلام را معرفی کرد؛ اسلام این است، ایمان اسلامی این است - هم فرهنگ و تمدّن غربی را معرفی کرد؛ فرهنگ غربی و تمدّن غربی آن چیزی است که سیاستهای برآمده‌ی از این فرهنگ را وادار میکند که این جنایتها را ببینند و حاضر نباشند اعتراف کنند که این نسل‌کشی است، حاضر نباشند آن را به معنای واقعی کلمه متوقف کنند. بله، زبانی یک چیزی می‌گویند، اما وقتی نوبت به متوقف کردن این جنایت در شورای امنیت سازمان ملل میرسد، وتو میکنند! تمدّن غربی این است. کار فضاحت سیاستهای خلاف بشری آمریکا و غربی‌ها به جایی میرسد که شنیدید این افسر نیروی هوایی آمریکا خودش را آتش میزند؛ (۳) یعنی حتّی برای آن جوانی که در آن فرهنگ تربیت شده سنگین می‌آید، حتّی وجدان او آزرده میشود. البته به جای یک نفر، هزار نفر باید خودشان را آتش میزدند، [منتها] غرق در فساد بودن نمیگذارد؛ حالا یک نفر تصادفاً وجدانش بیدار شده خودش را آتش زده. فرهنگ غربی خودش را معرفی کرد، خودش را عریان کرد، خودش را لو داد که چقدر فاسد است، چقدر منحرف است، چقدر ظالم است.



امیدواریم خداوند متعال نصرت کامل به اسلام و مسلمین و فلسطین و بخصوص غزه عنایت کند، و امیدواریم ان شاءالله خدای متعال برای ملت ایران انتخابات مطلوب و مناسب و شایسته‌ی این ملت را مقدر کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) انتخابات دوازدهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری، یازدهم اسفند برگزار میگردد.

(۲) بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره‌ی ملی بزرگداشت ۲۴ هزار شهید استان خوزستان (۱۴۰۲/۱۲/۵)
(۳) آرون بوشنل، افسر نیروی هوایی آمریکا، در اعتراض به جنگ علیه غزه و همدستی آمریکا با رژیم صهیونیستی در جنایت و نسل‌کشی فلسطینیان، روز ششم اسفند در مقابل سفارت این رژیم در واشنگتن اقدام به خودسوزی کرد که به مرگ وی انجامید.